

نوآوری‌های نظامی در ایجاد

تناسبات لفظی و معنایی

در خسرو و شیرین

مقدمه

نظامی از شاعران برجسته ایران در قرن ششم هجری است. او از جهت سرودن داستان‌های عاشقانه و بزمی و سرودن ساقی‌نامه، در میان ادبای ما ارج و قربی ویژه دارد و در تاریخ ادبیات ایران شاعری صاحب سبک است که پیروان فراوان یافته است.

نظامی شاعر عشق، اخلاق و اجتماع است (غلامرضایی، ۱۳۷۷: ۲۲۵). در عصر نظامی یکی از عمده‌ترین نکات ادبی ما، گرایش شاعران به مدح پادشاهان و دریافت صلوات آن‌چنانی بود. نظامی از معدود شاعران نجیب و آزاده‌ای است که خود را آلوده به مدح و تقاضا نکرد و عمدتاً به داستان‌پردازی برای بیان عواطف و احساسات پرداخت. داستان، چنان که نوشته‌اند، در ایام کهن، حکم رمان امروزی را داشت و از این رو جاذبه‌های بسیاری برای مردمان آن ایام ایجاد کرده بود (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۶۱).

تمام شاعران قرن ششم با مباحث بلاغی به خوبی آشنا بودند و در این زمینه گاهی تألیفاتی هم داشتند؛ مانند رشید و طواط. این امر سبب شد که شعر این دوره از نظر رعایت معیارهای بلاغی و استعمال صنایع بدیعی، از دوران‌های غنی شعر فارسی باشد (غلامرضایی، ۱۳۷۷: ۱۵۳).

شعر مکتب آذربایجان از نظر جنبه‌های بلاغت بسیار دقیق است و از بدیع لفظی، مخصوصاً انواع جناس، و از بدیع معنوی، مخصوصاً انواع ایهام، سود می‌برد (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۴۳). نظامی نیز در حوزه صور خیال، مبتکر و خلاق است. همچنین او اهل پردازش به صنایع بدیعی در حد وفور است. در منظومه لیلی و مجنون به شیوه صنعت‌پردازی

غلامعلی ایزدی*

چکیده

در این جستار، نوآوری‌های نظامی در ایجاد تناسبات لفظی بین نام شیرین و شکر اصفهانی، همسران خسرو پرویز ساسانی، در منظومه خسرو و شیرین شناسانده می‌شود تا ببینیم نظامی با استفاده از این دو واژه جادویی، چه زیبایی‌هایی پدید آورده است. **واژه‌های کلیدی:** بلاغت، بدیع، شیرین، نظامی، خسرو و شیرین.

خود هنگام نظم داستان چنین اشاره می‌کند:

زیارویی بدین نکویی

و آنگاه بدین برهنه‌روی؟

کس در نه به قدر او فشانده‌ست

زین روی برهنه‌روی مانده‌ست (نظامی گنجه‌ای، ۱۳۷۶: ۲۸)

منظور شاعر از «در» به زبان استعاره، همان شیوه‌های بلاغی،

به‌خصوص توجه به صنایع بدیعی است. در خسرو و شیرین هم به

همین شیوه خود اشاره دارد:

به هر در کز دهان خواهیم بر آورد

زنم پهلو به پهلو چند نورد

به صد گرمی بسوزانم دماغی

به دست آرم به شب‌ها شب‌چراغی (نظامی گنجه‌ای، ۱۳۷۶: ۴۴۶)

خسرو و شیرین او داستانی است عشقی در بحر هزج مسدس مقصور

یا محذوف. نظامی تحت تأثیر ویس و رامین با زبانی پخته و شاعرانه

و مملو از انواع صور خیال و ترکیبات و صنایع بدیعی، به نظم آن

پرداخته است.

در این جستار، شیرین‌کاری‌های نظامی با شیرین ارمنی و شکر

اصفهانی، همسران خسرو پرویز ساسانی، بازنگری می‌شود تا ببینیم

این شاعر استاد با استفاده از این دو واژه جادویی چه زیبایی‌هایی در

حوزه دانش بدیع پدید آورده است. شیرین علاوه بر حضورش در این

داستان، آفاق قفقازی را به یاد نظامی می‌آورد از این رو، محبوب او

واقع شده است. نام او در این منظومه ۳۱۰ بار تکرار شده است؛ زیرا

شاعر از تکرار آن لذت می‌برد. نام شکر نیز ۱۴۲

بار تکرار شده است.

شیرین

نظامی با واژه «شیرین» این صنایع بدیعی را ساخته است:

۱. جناس تام: شیرین را یک بار در معنی مزه شیرین و بار دیگر در

معنی نام خاص به کار می‌گیرد:

حدیث خسرو و شیرین نهان نیست

و زان شیرین‌تر الحق داستان نیست

ز شیرین‌کاری شیرین دل‌بند

فرو خواندم به گوشش نکته‌ای چند

چو بشنیدم ز شیرین داستان را

ز شیرینی فرو بردم زبان را

رُخش نسرین و بویش نیز نسرین

لبش شیرین و نامش نیز شیرین

نه شیرین‌تر ز شیرین خلق دیدم

نه چون شب‌دیز شبرنگی شنیدم

یک‌ایک مهر بر شیرین نهادند

بدان شیرین‌زبان اقرار دادند

کلاً ۴۸ بار از این ترفند بهره جسته است.

۲. ایهام: هر دو معنی مزه شیرین و نام خاص را هم‌زمان در کلمه

«شیرین» جا می‌دهد:

سخن چون بر لب شیرین گذر کرد

هوا پر مشک و صحرا پر شکر کرد

می رنگین، زهی طاووس بی‌مار

لب شیرین، زهی خرما بی‌خار

گر آید خسرو از بتخانه چین

ز شورستان نیابد شهد شیرین

کلاً ۳۶ بار از این ترفند هنری بهره جسته است.

۳. تناسب

۳.۱. تناسب نام شیرین با مزه شور:

هنوز از عشق‌بازی گرم داغ است

هنوزش شور شیرین در دماغ است

به شور انگیختن چندین مکن زور

که شیرین تلخ گردد چون شود شور

چو ابر از شوربختی شد نمک‌بار

دل از شیرین شورانگیز بردار

در این گردک نشسته خسرو چین

در آن دیگر فتاده شور شیرین

گر آید خسرو از بتخانه چین

ز شورستان نیابد شهد شیرین

۳.۲. تناسب شیرین با چرب:

حریفی چرب شد شیرین بر این بام

کزین چربی و شیرینی شود رام

به شیرین چند چربی‌ها فرستاد

به روغن نرم کرد آهن ز پولاد

جهان سالار خسرو هر زمانی

به چربی جستی از شیرین نشانی

۳.۳. تناسب شیرین با ترش:

عمل با عزل دارد، مهر با کین

ترش تلخی‌ست با هر چرب و شیرین

چو مرد ترش‌روی تلخ‌گفتار

دم شیرین ز شیرین دید در کار

۳.۴. تناسب شیرین با انگبین:

چو شمع از دوری شیرین در آتش

که باشد عیش موم از انگبین خوش

۳.۵. تناسب شیرین با نیشکر:

به خوش‌مغزی به از بادام تر بود

به شیرین‌استخوانی نیشکر بود

۶.۳. تناسب شیرین با جلاب یا گلاب:

به جلاب دگر نوشین کنم جام
به حلوائی دگر شیرین کنم کام
من آن شیرین درخت آبدارم
که هم حلوا و هم جلاب دارم

۷.۳. تناسب شیرین با شکر، از آن رو که هر دو نام همسران

خسرو پرویز است:

حلاوت‌های عیش آن عصر می‌داشت
که شکر کوی و شیرین قصر می‌داشت
به شکر عشق شیرین خوار می‌کرد
شکر شیرینی‌ای بر کار می‌کرد
شکر در تنگ شد، تیمار می‌خورد
ز نخلستان شیرین خار می‌خورد
شکر هرگز نگیرد جای شیرین
بچربد بر شکر حلوائی شیرین
مگو شیرین و شکر هست یکسان
ز نی خیزد شکر، شربنی از جان
چو شمع شهد شیرین برفروزد
شکر بر مجمر آنجا عود سوزد
ز شیرین تا شکر فرقی عیان است
که شیرین جان و شکر جای جان است
پری‌رویی ست شیرین در عماری
پرند او شکر در پرده‌داری
دلش می‌گفت شیرین بایدم زود
که عیشم را نمی‌دارد شکر سود
مرا شیرین و شکر هر دو در جام
چرا بر من به تلخی گردد ایام؟
تو با شکر توانی کرد این شور
نه با شیرین که بر شکر کند زور
شکرریز تو را شکر تمام است
که شیرین شهد شد وین شهد خام است
به شیرین از شکر چندین مزین لاف
که از قصاب دور افتد قصاب‌باف
به شکر نشکند شیرینی کس
لب شیرین بود شکرشکن بس
شکر خواهی و شیرین نیز خواهی
شکار ماه کن یا صید ماهی
هوای قصر شیرینت تمام است
در کوی شکر دانی کدام است
ز شیرین مهر بردارم دگر بار

شکرنامی به چنگ آرم دگر بار

۸.۳. تناسب شیرین با حلوا:

من آن شیرین درخت آبدارم
که هم حلوا و هم جلاب دارم
نباید کز در شیرین زبانی
خورد حلوائی شیرین رایگانی
کلاً ۶ بار از این آرایه استفاده شده است.

۹.۳. تناسب شیرین با خرما:

می رنگین زهی طاووس بی‌مار
لب شیرین، زهی خرما بی‌خار

۱۰.۳. تناسب شیرین با رطب:

رطب خور، خار نادیدن تو را سود
که بس شیرین بود حلوائی بی‌دود
این تناسب کلاً ۷ بار برقرار شده است.

۱۱.۳. تناسب شیرین با نخل:

چرا نخل رطب بردل خورد خار؟
مگر کو هم به شیرین شد گرفتار؟

۱۲.۳. تناسب شیرین با قند:

حلاوت‌های شیرین شکرخند
نی شهرود را کرده نی قند
گره بر دل چرا دارد نی قند؟

مگر کو نیز شیرین راست در بند؟

۱۳.۳. تناسب شیرین با شهد:

شکر ریز تو را شکر تمام است
که شیرین شهد شد وین شهد خام است
چو شیرین در مداین مهد بگشاد
ز شیرین لب طبق‌ها شهد بگشاد
گر آید خسرو از بتخانه چین
ز شورستان نیابد شهد شیرین
که شیرین گوید ای بدمهر بدعهد
کجا آن صحبت شیرین‌تر از شهد؟
چو شمع شهد شیرین برفروزد
شکر بر مجمر آنجا عود سوزد
برو هم با شکر می‌کن شکاری
تو را با شهد شیرین نیست کاری
گهی می‌کرد شهد بارید نوش
گهی می‌گشت با شیرین هم‌آغوش
۱۳ بار از این تناسب سود جسته است

۱۴.۳. تناسب شیرین با مگس:

دگر باره شد از شیرین شکرخواه

خفا و شیرین

که غوغای مگس برخاست از راه

۱۵.۳. تناسب شیرین با نوش:

وز آن شیرین سخن شیرین مدهوش
همی خورد آن سخن‌ها خوش‌تر از نوش
چو شیرین گوش کرد آن پند چون نوش
نهاد آن پند را چون حلقه در گوش
بخور، کاین جام شیرین نوش بادت
به جز شیرین همه فرموش بادت
ز جان شیرین‌تری ای چشمه نوش
سزد گر گیرمت چون جان در آغوش
ملک چون شد ز نوش ساقیان مست
غم دیدار شیرین بردش از دست
نخواهم کردن این تلخی فراموش
که جان شیرین کند، مریم کند نوش
چو شیرین ساقی‌ای باشد هم‌آغوش
نه شیر از زهر باشد هم شود نوش
نبید تلخ با او می‌کنم نوش
ز تلخی‌های شیرین گر کنم گوش
حدیثم را چو خسرو گوش می‌کرد
ز شیرینی دهن پرنوش می‌کرد

۴. تضاد

۱.۴. بین شیرین و تلخ:

معمولاً این تضاد در قالب آرایهٔ ایهام تضاد ظاهر می‌شود. ۲۸ بار از این آرایه استفاده کرده است؛ از آن جمله:
چو از جام نبید تلخ شد مست
حکایت را به شیرین باز پیوست
چو شیرین از چنین تلخی خبر یافت
نفس را زین حکایت تلخ‌تر یافت
چو نام من به شیرینی برآید
اگر گفتار من تلخ است، شاید
ملک بر یاد شیرین تلخ باده
لبالب کرده و بر لب نهاده

نه بس شیرین شد این تلخ دوتا پشت
چه شیرین کز ترش روی مرا کشت
نبید تلخ گشته سازگارش
شکسته بوسهٔ شیرین خمارش
در این افسانه شرط است اشک راندن
گلایی تلخ بر شیرین فشاندن
یکی روز از خمار تلخ شد تیز

به خلوت گفت شیرین را که برخیز

۲.۴. تضاد میان شیرین و زهر:

چو شیرین ساقی‌ای باشد هم‌آغوش
نه شیر از زهر باشد هم شود نوش
چنین گویند شیرین تلخ زهری
به خوردش داد از آن کو خورد بهری

۵. جناس زاید

تنها بین شیرین و شیر دیده شد:
دل شیرین حساب شیر می‌کرد
چه فن سازد در آن تدبیر می‌کرد
چو شاپور این حکایت را به سر برد
غم شیر از دل شیرین به‌در برد
ستد شیر از کف شیرین جوانمرد
به شیرینی چه گویم چون شکر خورد
همیدون شیر اگر شیرین نبود
به طفلی خلق را تسکین نبود

۶. مبالغه در توصیف شیرینی شیرین:

همه تن در تو شیرینی نهفتند
به کم‌کاری تو را شیرین نگفتند
به شکر بر ز شیرینیش بیداد
وز او شکر به خوزستان به فریاد
نظامی از این ترفند ادبی ۱۴ بار سود جسته است.

۷. حسن تعلیل:

برای بزرگ‌نمایی در وصف شیرین از این شگرد هنری ۶ بار بهره گرفته است؛ از جمله:

گره بر دل چرا دارد نی قند؟
مگر کو نیز شیرین راست در بند؟
چرا نخل رطب بر دل خورد خار؟
مگر کوهم به شیرین شد گرفتار؟

۸. ایهام تناسب شیرین با خسرو:

واضح است در تمام شواهد واژه ایهامی شیرین است که می‌تواند دو معنی داشته باشد نه خسرو:

گر آید خسرو از بتخانه چین
ز شورستان نیابد شهد شیرین
دل خسرو رضای من بجوید
به ترک شکر شیرین بگوید
چو خسرو بر سر کوی شکر شد
سپاهان قصر شیرینی دگر شد
کنیز از کار خسرو ماند مدهوش
که شیرین آمدش خسرو در آغوش

۹. ایهام تناسب شیرین با شکر:

چون هر دو واژه دارای دو معنی است، بنابراین:

۹.۱. شاعر گاهی شکر را در معنی ایهامی با شیرین متناسب می‌کند:

مگر شیرین از آن صفرا خبر داشت
که چندان سرکه در زیر شکر داشت
که با شیرین چه بازی کرد پرویز؟
عروس اینجا کجا کرد او شکرریز؟
جوان شد گلبن دولت دگر بار
ز تلخی رست شیرین شکر بار
زبان بگشاد با عذری دل آویز
ز پرسش کرد بر شیرین شکرریز
ز شکر هر یکی تنگی گشاده
ز شیرین بر شکر تنگی نهاده

نخستین بیک بود آن شکرین جام
که از خسرو به شیرین برد پیغام
شکاری چون شکر می‌زد ز هر سو
برآمد گرد شیرین از دگر سو

۹.۲. گاهی شیرین را در معنی ایهامی با شکر متناسب می‌کند:

سرش سودای بازار شکر داشت
که شکر هم ز شیرینی اثر داشت
چو خسرو بر سر کوی شکر شد
سپاهان قصر شیرینی دگر شد
ز شیرینی که آن شمع سحر بود
گمان افتاد او را کان شکر بود
چو شمع شهد شیرین برفروزد
شکر بر مجمر آنجا عود سوزد
چو من شیرین سواری زینی ارزد
عروسی چون شکر کاوینی ارزد
برو هم با شکر می‌کن شکاری
تو را با شهد شیرین نیست کاری
هوای قصر شیرینت تمام است
سر کوی شکر دانی کدام است

۹.۳. گاهی هم شکر و هم شیرین، هر دو در دو معنا در کنار هم ظاهر می‌شود:

سخن چون بر لب شیرین گذر کرد
هوا پر مشک و صحرا پر شکر کرد
به شکر بر ز شیرینیش بیداد
وز او شکر به خوزستان به فریاد
همه چیزیت هست از خوب رویی
ز شیرین شکر و نغز گویی
همان شیرینی پارینه دریافت
به شیرینی رسد هر کو شکر یافت

شکر و شیرین

چو بگرفت از شکر خوردن دل شاه
 به نوش آباد شیرین شد دگر راه
 شکر در تنگ شد، تیمار می خورد
 ز نخلستان شیرین خار می خورد
 شه از سودای شیرین شور در سر
 گدا زان گشته چون در آب شکر
 کسی کز جان شیرین بازماند
 چه سود ار در دهن شکر فشانند
 شکر هرگز نگیرد جای شیرین
 بچربد بر شکر حلوای شیرین
 چمن خاک است چون نسرين نباشد
 شکر تلخ است چون شیرین نباشد
 شکر گر چاشنی در جام دارد
 ز شیرینی حلاوت وام دارد
 ز شیرینی بزرگان ناشکبیند
 به شکر طفل و طوطی را فریبند
 هر آبی کان بود شیرین بسازد
 شکر چون آب را ببند، گدازد
 به شکر نشکند شیرینی کس
 لب شیرین بود شکرشکن بس
 به جان داروی شیرین ساز کردی
 ولی روزه به شکر باز کردی

شکر

نظامی با استفاده از واژه «شکر» این صنایع بدیعی را می سازد:

۱. جناس تام:

شکر را یک بار در معنی شکر خوراکی و بار دیگر در معنی خاص شکر اصفهانی به کار می برد:
 برون آمد شکر با جام جلاب
 دهانی پر شکر، چشمی پر از خواب
 شکر نامی که شکر ریزد، او بود
 نباتی کز سپاهان خیزد، او بود
 از این آرایه ۱۲ بار استفاده شده است.

۲. ایهام:

شکر را با دو معنی نام خاص و شکر خوراکی به کار می برد:
 ز شیرینی که آن شمع سحر بود
 گمان افتاد او را کان شکر بود
 همان شیرینی پارینه دریافت
 به شیرینی رسد هر کو شکر یافت
 چو بگرفت از شکر خوردن دل شاه
 به نوش آباد شیرین شد دگر راه

کلاً از این شگرد ادبی ۳۸ بار استفاده کرده است.

۳. تناسب

۳.۱. تناسب میان شکر و شیرین در هر دو معنی (در بخش

مربوط به شیرین اشاره شد).

۳.۲. تناسب شکر و مگس:

ملک را فرخ آمد فال اختر

که از چندین مگس چون رست شکر

۳.۳. تناسب شکر و طبرزد:

ز بس خنده که شهدهش بر شکر زد

به خوزستان شد افغان طبرزد

شکر پاسخ به لطف آواز دادش

جوابی چون طبرزد باز دادش

و زان پس مهر لؤلؤ بر شکر زد

به عناب و طبرزد بانگ برزد

طبرزد را چو لب پرنوش کردی

ز شکر حلقه ها در گوش کردی

گلت چون با شکر همخواب گردد

طبرزد را دهان پر آب گردد

۳.۴. تناسب شکر و قند:

چه دید؟ الحق بتانی شوخ و دلیند

سرایی پرشکر، شهری پر از قند

چو زین گرمی برآساییم یک چند

مرا شکر، مبارک شاه را قند

چو ما را قند و شکر در دهان هست

به خوزستان چه باید درزدن دست؟

چو قند از حقه کاووس دادی

شکر کالای او را بوس دادی

۳.۵. تناسب شکر و انگبین:

ملک چون دید کآمد نازنینش

ستد داد شکر از انگبینش

به نوش آباد آن خرماي در شیر

شکر خواند انگبین را چاشنی گیر

۳.۶. تناسب شکر و جلاب:

در آب چشمه سار آن شکر ناب

ز بهر میهمان می ساخت جلاب

دهان از بوسه چون جلاب تر کرد

ز بوسه دست شه را پر شکر کرد

برون آمد شکر با جام جلاب

دهانی پر شکر، چشمی پر از خواب

چو از نزل زرافشانی بپرداخت

ز جلاب و شکر نزلی دگر ساخت

۷.۳. تناسب شکر با نوش:

ز بس کآورد یاد آن نوش لب را
دهان پرآب شکر شد رطب را
شکرلفظان لبش را نوش خوانند
ولی عهد مهین بانوش دانند

چو نوش باده از لب نیش برداشت
شکر برخاست شمع از پیش برداشت

۴. ایهام تناسب:

در قسمت «شیرین» به تفصیل بیان شد.

۵. تضاد

۱. ۵. تضاد شکر و زهر:

بس است این زهر شکرگون فشاندن
بر افسون خوانده‌ای افسانه خواندن

۲. ۵. تضاد شکر و تلخ:

چمن خاک است چون نسرين نباشد
شکر تلخ است چون شیرین نباشد
جوان شد گلبن دولت دگر بار
ز تلخی رست شیرین شکر بار

۶. اغراق

اغراق در توصیف شکرین بودن شکر:

به شکر بر ز شیرینیش (= شیرینی شکر) بیداد
وز او شکر به خوزستان به فریاد
به زیر هر لبش صد خنده بیش است
لبش را چون شکر صد بنده بیش است
رطب پیش دهانش دانه‌ریز است
شکر بگذار، کو خود خانه‌خیز است

نتیجه

۱. نظامی شاعری سخنور است که در ضمن بیان مطالب، تمام شگردهای بیانی و بدیعی را به خوبی به خدمت می‌گیرد.
۲. نظامی در تمام منظومه‌هایش شیوه سخن‌آرایی را پیشه کرده است و سخن بدون آرایش را نمی‌پسندد.
۳. سخن‌آرایی نظامی هرچند گاهی مبالغه‌آمیز می‌نماید، اما ملال‌آور نیست.
۴. نظامی وقتی سوژه‌ای برای هنرنمایی به دست می‌آورد، تا آنجا که بتواند با آن لفاظی می‌کند.

پی‌نوشت

* عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر و دانشجوی دکتری دانشگاه اصفهان (مقاله ارائه شده به همایش حکیم نظامی گنجوی).

کتابنامه

- نظامی گنجه‌ای، الیاس بن یوسف، ۱۳۷۶، خسرو و شیرین. با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی. به کوشش دکتر سعید حمیدیان. چاپ اول، تهران: نشر قطره.
- _____، ۱۳۷۶، لیلی و مجنون. با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی. به کوشش دکتر سعید حمیدیان. چاپ اول، تهران: قطره.
- شمیسا، سیروس، ۱۳۷۴، سبک‌شناسی شعر. چاپ اول، تهران: فردوس.
- غلامرضایی، محمد، ۱۳۷۷، سبک‌شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو. چاپ اول، تهران: جامی.

پنج گنج نظامی گنجوی

تصحیح دکتر بهروز ثروتیان

مجموعهٔ مثنوی‌های نظامی گنجوی به تصحیح آقای دکتر بهروز ثروتیان، که پیش از این طی چند سال (از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۹) توسط انتشارات توس منتشر شده بود، در سال ۸۶ و ۸۷ توسط انتشارات امیرکبیر، با بازنگری‌های مصحح در نسخه‌بدل‌ها و توضیح برخی ابیات، مجدداً منتشر شده است. این مجموعه آثار شامل مثنوی‌های مخزن الاسرار، لیلی و مجنون، خسرو و شیرین، هفت‌پیکر، شرفنامه و اقبالنامه است.

این مثنوی‌ها هر کدام در مجلدی جداگانه منتشر شده و هریک شامل مقدمهٔ مصحح در بیان شیوهٔ تصحیح و نسخ مورد استفاده، برخی زوایای اندیشهٔ نظامی و نکاتی در باب مثنوی مورد نظر است. پس از متن اشعار، که اختلاف نسخ را نیز در پاورقی دارد، توضیحات و شرح ابیات آمده است. دکتر ثروتیان هر جا که بیتی را محتاج توضیح یافته و نکته‌ای را در بیت نیازمند شرح دانسته، توضیحاتی دربارهٔ آن آورده است. در مجموعهٔ مثنوی‌های نظامی که به این صورت منتشر شده، کمتر بیتی بدون توضیح رها شده است.

در انتها، واژه‌نامه‌ای شامل عبارات و اصطلاحات و ترکیبات ابیات نظامی با ارجاع به شمارهٔ صفحه و بیت آمده است که این فهرست، راهنمای بسیار مفیدی برای پژوهشگران محسوب می‌شود. فهرست منابع و مأخذ مورد استفادهٔ مصحح در تصحیح مثنوی‌های نظامی و فهرست اعلام متن نیز در آخر کتاب آمده است.

برای برخی از مجلدات، کشف الابیات نیز تنظیم شده است؛ در عوض، در برخی از مجلدات واژه‌نامه به چشم نمی‌خورد.